

جهان امروز در نقطه‌ای ایستاده است که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک دوره بحران گذرا یا تلاطم سیاسی معمولی توصیف کرد، بلکه آنچه در حال وقوع است نشانه‌هایی روشن از ورود به یک گذار تاریخی عمیق و بنیادین را در خود دارد که با افول سلطه تک‌بعدی غرب همراه شده است. این وضعیت همان «برزخ تاریخی» است که در آن نظم مسلط پیشین که بر پایه هژمونی تحمیلی بنا شده بود، در حال فروپاشی است و نظم جدید هنوز متولد نشده است و در این فاصله میان مرگ جهان قدیم و زاده نشدن جهان جدید، انواع پدیده‌های ساختارشکنانه و رفتارهای ناهنجار در سیاست بین‌الملل ظهور می‌کند. امروز سیاست جهانی دقیقاً در همین دوره مبهم قرار گرفته است که در آن هنجارهای تثبیت‌شده گذشته که دهه‌ها ابزار تأمین منافع قدرت‌های خاص بود، کارایی خود را از دست داده‌اند و هیچ جایگزین پایداری نیز برای آن‌ها تعریف نشده است.

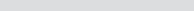
حولات بزرگ تاریخی هیچ گاه به صورت دفعی و
آگهانی رخ نمی دهند بلکه این دگرگونی ها همواره
جریانی تدریجی، انباشتی و گاه نامحسوس دارند
که در زیر پوست حوادث روزمره پیش می روند.
واقعیت این است که جهان در دل یک «پیچ
تاریخی» مهم حرکت می کند که در آن هندسه
قدرت جهانی از غرب به سمت شرق در حال
ازترسیم است و الگوهای سنتی رهبری جهانی دیگر
باسخوکی نیازهای جدید و مطالبات ملت های
مستقل نیستند. نظم بین المللی که پس از جنگ
جهانی دوم شکل گرفت، برخلاف ادعاهای تبلیغاتی،
به برای صلح جهانی بلکه بر مجموعه ای از قواعد
نهادهای استوار بود که آمریکا از آن ها به عنوان
بوشی برای پیشبرد اهداف امپریالیستی خود،
استفاده می کرد. این ساختار بر این فرض بنا
شده بود که آمریکا با صرف هزینه های نظامی
و اقتصادی، سلطه خود را به عنوان تنها پلیس
جهانی حفظ کند اما امروز به دلیل فرسودگی
داخلی و شکست های پی در پی راهبردی، این فرض
به طور کامل فرو ریخته است.

آمریکا به دلیل بحران‌های انباشته و کاهش معنادار قدرت تعیین‌کنندگی‌اش، نه تنها دیگر نتوان مدیریت یک‌جانبه نظم جهانی را ندارد، بلکه خود به اصلی‌ترین عامل ایجاد ناامنی و تخریب ساختارهای موجود تبدیل شده است. خروج از معاهدات بین‌المللی، بی‌اعتنایی سیستماتیک به معاهداتی که خود روزی مدافعش بود و برخورد کاملاً

همگی نشانه‌هایی از یک عقب‌نشینی اجباری و روال هژمونیک هستند که ثبات سیستم قدیم را به مخاطره انداخته است.

آنچه امروز واشنگتن تحت عنوان «نظم مبتنی بر قواعد» تبلیغ می‌کند، در واقعیت یک تعهد اخلاقی با حقوقی نیست، بلکه آخرین ترقلاها برای حفظ

برای مشروط است که تنها در جهت تأمین منافع فوری آن‌ها کارکرد دارد. در این نگاه، هر جا که قواعد بین‌المللی مانعی برای زیاده‌خواهی آمریکا ایجاد نکنند، به راحتی زیر پا گذاشته می‌شوند و هر جا که بتوان از آن‌ها به عنوان سلاحی علیه قدرت‌های نوظهور و مستقل استفاده کرد، به شکلی گسترده و یکپارچه برجسته می‌گردند.

پیام صوتی یک هموطن ایرانی خطاب به نیروهای مسلح ایران	در عشق و محبتم نبینی خللی	عالم همه گردشمن جانم گردند	فریاد زم: سید من، سید علی!	با بانگ بلند داد و آوای جلی	ﷻ الله اكبر، الله اكبر، الله اكبر! این صدای ملت ایران است.	
---	----------------------------------	-----------------------------------	-----------------------------------	------------------------------------	---	---

فرزند ایران

آخرین مدال

و حید از آن مردهایی بود که افتخار را بعد از انسانیت معنا می‌کرد. قبل از آن که روی سکو بایستد، بلد بود کنار مردم بایستد. ورزش برایش فقط مسابقه نبود؛ تمرین نفس بود و فروتنی. همزمان ملی کیک‌بوکس و کاراته بود، اما هیچ وقت خودش را جلوتر از دیگران نمی‌دید. اولین نفر وارد باشگاه می‌شد و آخرین نفر چراغ را خاموش می‌کرد؛ نظم و تعهد، درگاهش جریان داشت. هشتم شهریور ۱۳۴۳، در محله‌ی قدیمی پشت‌بازار خرم‌آباد، با به‌دنیایی گذاشت که خیلی زود طعم سختی را به او پشاند. هفت‌ساله بود که پدرش را از دست داد و همان وقت، بار خانواده روی شانه‌هایش افتاد. شاید به همین دلیل بود که ازدواج نکرد، چون خانواده هنوز به تکیه‌گاه نیاز داشت و او بودن را نتخاب کرد. وقتی لباس ارتش را پوشید، همان وحید ماند؛ فقط میدان عوض شد. گفت: «من سربازم؛ وظیفه‌ام دفاع است.» امداد ۲۸ خرداد ۱۴۰۴، راکت‌های رژیم صهیونیستی، به یادگان امام علی (ع) خرم‌آباد اصابت کرد؛ وحید حسنوند، این‌بار نه روی سکو، که در میدان دفاع، آخرین مدال‌ش را گرفت. پیکرش را گلزار شهدای خرم‌آباد آرام گرفت؛ قهرمانی که پیش از فتح سکوها، دل‌ها را فتح کرده بود. او سی مدال بر سینه داشت؛ سی و یکمین را آسمان به گردنش انداخت.  سمانه اعتمادی جم

قاب

قهرمان سیل ہرمزگان

الهیار بارانی، نوجوان هرمزگانی در حادثه سیل هرمزگان، با استفاده از قایق توانست جان ۶۰ نفر از اهالی روستای خود را نجات دهد.



رادیونگار

فرا ترا از جنگ سخت

محسن مهدیان . مدیرعامل موسسه همشهری

دهن‌ها همچنان درگیر اتفاقات و حواشی نبرد نظامی با رژیم صهیونیستی باشند. اما رهبر انقلاب در دلداری که در روز ولادت حضرت زهرا (ع) داشتند، به یک باره مسیر بحث را تغییر واز «میدانی فراتر از جنگ سخت» سخن گفتند؛ میدانی که نه در خاک وآسمان، بلکه در ذهن‌ها جریان دارد و مخاطبانش همه مردم این سرزمین هستند. سخن از جنگی است که نه با سلاح، بلکه با روایت پیش می‌رود؛ جنگی که ذهن انسان‌ها را نشانه می‌گیرد و سرنوشت همه درگیری‌های دیگر را رقم می‌زند. در این میدان، پیروزی بیش از آنکه به قدرت نظامی وابسته باشد، به توان روایت‌سازی و جهت‌دهی افکار عمومی گره خورده است. تجربه سال‌های اخیر، به‌ویژه تحولات پس از هفتم آکبر، نشان داد چگونه شکست تصویر اقتدار و امنیت، می‌تواند افسانه قدرت را در چشم جهان‌بانان فرو بریزد و موجی از نفرت عمومی علیه رژیم صهیونیستی ایجاد کند. امروزه شبکه‌های اجتماعی قواعد بازی را تغییر داده‌اند. همان ساختاری که قرار بود ابزار سلطه باشد، حالا به میدان تقابل بدل شده است. دشمن وقتی می‌بیند اراده‌ای در جنگ سخت فرو نمی‌شکند، مسیر را عوض می‌کند؛ به‌جای حذف اراده، سراغ تغییر ادراک می‌رود و ذهن‌ها را هدف می‌گیرد.